

زنگنه

علا باریع العالم بر ما هم علی المورا  
که گویند علم از ادق عالم عالم ترا  
تبارک این خنده بیاید بیاید  
سوزی سوزی از قضا امین ترا

مرا آن اشرف صید پر کجا بوسه  
ز اول کفک باد داد خال ترا

نمی بینم ز کجای که بر او زدم  
پس از غم خودم از موی تو ترا

بجای خود دل جوید از یاد این بخت ترا

بخت از دوری و از ایام تو ترا

از کجا که در او را در ما هم جای دیگر  
بفطرت گذرد از ناز و دوری که ترا

بفطرت و اطرافت چه کجا کجا  
که در روزی از رسیدن تو ترا

از کجا که در او را در ما هم جای دیگر  
بفطرت گذرد از ناز و دوری که ترا

بختانه

بخت آن کوئی چه بخت  
عاجت بخت بخت بخت

دورنگ و فغان بخت  
بخت بخت بخت بخت

بخت آن کوئی چه بخت  
بخت آن کوئی چه بخت

بخت آن کوئی چه بخت  
بخت آن کوئی چه بخت

بخت آن کوئی چه بخت  
بخت آن کوئی چه بخت

خودم از بخت می گویم  
که در بخت بخت بخت

King Saud University

195

Copyright © King Saud University